



**گروه یادآور** : «این داستان است که می‌تواند سر و صدای زیادی ایجاد کند؛ احساسات عمیقی را برانگیزد و تأثیری جدی بر روابط آینده ایران و آمریکا بگذارد. این داستان نشان می‌دهد از همان ابتدا رابطه آمریکا با ایران رابطه‌ای ترابر بر مبنای تهدید و اخبار و استعمار بوده است. این داستان بیش یک یک اثر تاراحت‌کننده‌ترین صحنه‌های روابط ایران و آمریکا را به تصویر می‌کشد. مسلماً با توجه به اینکه بسیاری از دست یافته‌های آمریکایی‌ها حتی در همان زمان هم به صورت غیرقانونی بوده، طرح موضوع اعاده یا استرداد آنها اجتناب‌ناپذیر است. در حقیقت این مساله تاکنون در برخی کشورهای خاورمیانه مطرح شده است. در سال ۱۹۸۰ روزنامه عراقی مهمی به نام «الثوره» یا «ثوره» به خوانندگان عراقی اطلاع داد دولت عراق از سازمان ملل برای اعاده آثار باستانی به کشورهای مبدأشان کمک خواسته است. صدام از نخست‌وزیر فرانسه در دیداری که از عراق داشته پرسیده است آیا موزه لوور می‌تواند لوح حمورابی را باز پس دهد؟»صدام حسین آشکارا بر این باور بود که این لوح با وجودی که در ایلام واقع در ایران پیدا شده، متعلق به عراق است.»

گزاره بالا بخشی از مقدمه کتاب تراج بزرگ آمریکا و غارت میراث فرهنگی ایران ۱۳۳۰-۱۳۴۰ (مرکز مطالعات و پژوهش‌های سیاسی) است که دکتر «محمدعلی مجده» محدثان آن را بر اساس مستندات خود آمریکایی‌ها به نگارش درآورده است.
انطور که خود در کتاب می‌گوید: «هنگام تحقیق در اسناد وزارت خارجه آمریکا به اسنادی درباره باستان‌شناسی ایران برخوردیم بر مبنای این اسناد، می‌توانیم اطلاعاتی از تراج آثار باستانی و یافته‌های باستان‌شناسی ایران توسط آمریکایی‌ها در طول سال‌های ۱۹۲۵ تا ۴۱ به دست آوریم و این، جنبه‌ای از تاریخچه باستان‌شناسی در ایران است که کم‌لذا نادیده گرفته شده و ناشناخته مانده است.»

اهمیت پرداختن به موضوع غارت میراث فرهنگی ایرانیان توسط ایالات متحده آمریکا در مقطع حکومت رضاخان از جهات متعدد حائز اهمیت است. در شرایط کنونی که دولت آمریکا هر روز به بهانه‌های عجیب و غریب با دست‌اندازی به امول مردم ایران، به مصادره یا تصاحب بخشی از آنها اهتمام جدی دارد و البته با مواجهه منفعلانه دستگاه دیپلماتی مواجه می‌شود.
یادآوری اینکه بخش مهمی از دارایی‌های ایرانیان و میراث ماندگار سالیان راز از تاریخ این کشور، چگونه توسط آمریکایی‌ها به یغمارفته است و حساس کردن رسانه‌های دنیا به این موضوع، می‌تواند «دست پستی» ایران در افواج مذاکرات به شمار آید. واقعیت آن است که بی‌توجهی به این مهم در گذر سال‌ها می‌تواند آن را به یک «فراموشی بزرگ» بدل کند، اینچنان که گویی اساساً پرسش‌های تحت جمشید از گل در موزه‌های آمریکا جا خوش کرده بودند و این کشور ۲۰۰ ساله، خیلی اتفاقی بخشی از تاریخ و

غارت بخش مهمی از میراث فرهنگی و گنجینه‌های ایرانی در فاصله سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ (۱۲۲۰-۱۲۰۴) فقط با کمک و راهنمایی دولت آمریکا و حمایت و همکاری رژیم نوپای پهلوی در ایران ممکن نبود. دولت آمریکا نیز مکرراً به دولت ایران برآی «هدایی» مقادیر وسیعی از آثار باستانی پیدا شده به مؤسسه شرق شناسی دانشگاه



نقش بر جسته ساراز مازنی - موزه متروپولیتن نیویورک

نقش برجسته ساراز خاشانی - موزه مونتسن

یکی از موسساتی که برای کاوش‌های باستان‌شناسی موفق به اخذ مجوز

از طرف دولت ایران شد، مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو بود. اوایل دسامبر ۱۹۳۰ پرفسور «جیمز هنری برستیند» درخواست خود را برای اعطای حق بازسازی و مرمت تخت جمشید از طریق پرفسور «رنت هرستفلد» مشاور آلمانی گروه، تقدیم دولت ایران کرد. این در خواست در هیأت وزیران مطرح شد و با وجود حامیان اعطای این مجوز در داخل دولت، در کوتاه‌ترین زمان ممکن جواب مثبت به مؤسسه شرق‌شناسی داده شد. فروغی این بار هم برای اعطای امتیازی به آمریکایی‌ها تلاش‌های فراوانی کرد که وزیرمختار آمریکا در ایران به حمایت‌های فروغی برای اعطای این مجوز اشاره می‌کند: «حامی اصلی در خواست‌های آمریکاییان در جلسه هیأت وزیران، وزیر امور خارجه فروغی بود و نیز او بود که پس از آنکه تصور می‌شد قانون آثار ملی در کمیسیون رد شده است، بزرگ‌ترین کمک را برای تصویب شانژرنه آن کرد.»

با شروع عملیات بازسازی توسط مؤسسه اشیا و اقالم ارزشمندی یافت شد که باعث شگفتی اعضای گروه شد. ۲ جفت لوح یکی از طلا دیگری از نقره و از آن جالب‌تر ۳۰ هزار لوح گلی که از دوره عیلامی‌ها به جا مانده بود و کتیبه‌های فوق‌العاده به همراه مجموعه گسترده‌ای از ابزار دست‌ساز که توجه گروه را به خود جلب کرد.
یافته‌های اینجینی، دکتر هرستفلد (مشاور گروه مؤسسه شرق‌شناسی) را به کاوش در استخر و تل‌های مجاور مشتاق کرد و به همین مناسبت در خواستی را به دولت ایران ارائه داد که این درخواست در تاریخ دسامبر ۱۹۳۱ مورد موافقت قرار گرفت. از نظر هارت (وزیر مختار آمریکا در ایران) فضاپی که این مجوز در بر می‌گرفت، بی‌شک غنی‌ترین بخش در تاریخ امیتازات اعطاشده در کشور بود. با فضاپی که این مجوز برای خروج آثار باستانی ایرانی به وجود می‌آورد، می‌توان آن را نوعی کودتای باستان‌شناسی به حساب آورد.

رفشان دیپلمات‌های آمریکایی و نحوه تعامل آنها با مردم شرق زمین و فهم «رابطه گرگ و میش» علاوه بر کمک درک درستی از روحیه نگارگری آنها ارائه می‌دهد، به کار اهل دیپلماتی و کارکنان وزارت امور خارجه نیز می‌آید؛ اینکه از نگاه آمریکایی‌ها همه دارایی‌های یک ملت برای آنان است؛ از نفت و منابع دیگر گرفته تا میراث‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک تا گنجینه میراث باستانی چند هزار ساله یک ملت.

برستند، مدیر مؤسسه شرق‌شناسی در ایران در نامه‌ای که به فروغی نگاشته است، خواهان تقسیم عادلانه اشیایی کشف شده است و اعلام می‌کند اگر با این در خواست موافقت نشود، مؤسسه گروه خود را از ایران خارج خواهد کرد و ایران و دولت شاهنشاهی را در مطوعات آمریکایی رسوا خواهد کرد؛ چیزی که رژیم پهلوی نمی‌توانست آن را

فرماندهی از او بگیرد. فروغی پس از دریافت این نامه و فرات از آن در هیأت دولت، با واکنش منفی هیأت دولت مبنی بر توهمین آمیز بودن نامه مواجه شد و پذیرش شروط ذکر شده منوط به تغییر ادبیات نامه شد. اما ادبیات به کار برده خود را در حمایت وزارت خارجه آمریکا، ایران را در موضع شرق‌شناسی بود که با حمایت وزارت خارجه آمریکا، ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کرد. مؤسسه شرق‌شناسی با مشاهده عقب‌نشینی‌های بی‌درپی دولت ایران در برابر خواسته‌هایش حداکثر چیزی را که می‌توانست بخواهد درخواست کرد. طبق درخواست جدید، مؤسسه خواهان ادامه کار در تخت جمشید و تقسیم اشیای یافت‌شده در آن به مدت ۳ سال دیگر بود. همچنین مؤسسه برخی اشیایی که به آنها نظر داشت را هم در نامه‌ای به نخست‌وزیر اعلام کرد: «نظر به اینکه مؤسسه شرق‌شناسی هزینه هنگفتی را صرف بازایی و مرمت گنجینه بی‌نظیر مجسمه‌های مستقر روی ۲ پلکان عظیم و همچنین الواح زرین و سیمین پایه‌های بنا کرده است که ارزش آنها بسیار بیشتر از هر اثر کشف شده دیگری در تخت جمشید است، خود را محق می‌داند اقالم مشخصه زیر را در حکم سهمش از اشیایی که تاکنون در ایوان کاخ کشف شده‌اند، مطالبه نماید و صداپتیه انتظار دارد مجوز خروج آنها از کشور نیز صادر گردد؛ مجموعه کامل تندیس‌های جدای قابل حمل، از جمله پلکان کاملاً جدا و قابل حملی که پیش از بیرون کشیدن ۲ پلکان عظیم تخت جمشید از زیر خاک کشف شده بود، یک لوح سیمین پایه بنا، اجزای لعلی شکسته متعلق به کتیبه زینتی ایاپادا و همه اشیای کوچک دیگر به استثنای طلا ساخته‌ها، از جمله ۵۰۰ لوح گلی. مؤسسه انتظار دارد اشیایی که ممکن است در آینده در ایوان کاخ کشف شود نیز مطابق با اصل کلی فوق تقسیم شود.»

این نوع پاسخ‌خواهی‌ها همین‌جا به پایان نمی‌رسد و بعدها طی دستورالعملی که به وزیر مختار آمریکا در ایران رسید، ایران باید قسمتی از آثار باستانی خود را به مؤسسه اهدا می‌کرد. شاید دشوار بتوان ترک کرد که این نوع ادبیات به کار برده شده، مربوط به یک مؤسسه آمریکایی است که دولت دیگر را خطاب قرار می‌دهد. «مؤسسه گرفتار یکی از اعضای گروه باستان‌شناسی را اجاز می‌سازد تا مذاکره بر سر تقسیم اشیایی کشف‌شده را شروع کند، مشروط بر اینکه چون ایرانی‌ها قبلاً اقالم ارزشمند متعددی برای خود برداشته‌اند، مؤسسه نیز انتظار دارد که در اوایل مذاکرات اشیایی در خروج و ارزشمندی به آن اهدا شود؛ چنانچه در همان اوایل مذاکرات چنین هدایایی داده نشود و روشن قابل قبولی برای تقسیم مای باقی اشی کشف‌شده مورد توافق قرار نگیرد، مؤسسه ناچار خواهد بود بدو هیچ‌گونه بختی گروه باستان‌شناسی خود را از ایران خارج کند.»

پادشاهان

**تلمخ اما واقعی؛ امتیازاتی که مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو از پهلوی گرفت**

## کودتای باستان‌شناسی

نادیده بگیرد. فروغی پس از دریافت این نامه و فرات از آن در هیأت دولت، با واکنش منفی هیأت دولت مبنی بر توهمین آمیز بودن نامه مواجه شد و پذیرش شروط ذکر شده منوط به تغییر ادبیات نامه شد. اما ادبیات به کار برده خود را در حمایت وزارت خارجه آمریکا، ایران را در موضع شرق‌شناسی بود که با حمایت وزارت خارجه آمریکا، ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کرد. مؤسسه شرق‌شناسی با مشاهده عقب‌نشینی‌های بی‌درپی دولت ایران در برابر خواسته‌هایش حداکثر چیزی را که می‌توانست بخواهد درخواست کرد. طبق درخواست جدید، مؤسسه خواهان ادامه کار در تخت جمشید و تقسیم اشیای یافت‌شده در آن به مدت ۳ سال دیگر بود. همچنین مؤسسه برخی اشیایی که به آنها نظر داشت را هم در نامه‌ای به نخست‌وزیر اعلام کرد: «نظر به اینکه مؤسسه شرق‌شناسی هزینه هنگفتی را صرف بازایی و مرمت گنجینه بی‌نظیر مجسمه‌های مستقر روی ۲ پلکان عظیم و همچنین الواح زرین و سیمین پایه‌های بنا کرده است که ارزش آنها بسیار بیشتر از هر اثر کشف شده دیگری در تخت جمشید است، خود را محق می‌داند اقالم مشخصه زیر را در حکم سهمش از اشیایی که تاکنون در ایوان کاخ کشف شده‌اند، مطالبه نماید و صداپتیه انتظار دارد مجوز خروج آنها از کشور نیز صادر گردد؛ مجموعه کامل تندیس‌های جدای قابل حمل، از جمله پلکان کاملاً جدا و قابل حملی که پیش از بیرون کشیدن ۲ پلکان عظیم تخت جمشید از زیر خاک کشف شده بود، یک لوح سیمین پایه بنا، اجزای لعلی شکسته متعلق به کتیبه زینتی ایاپادا و همه اشیای کوچک دیگر به استثنای طلا ساخته‌ها، از جمله ۵۰۰ لوح گلی. مؤسسه انتظار دارد اشیایی که ممکن است در آینده در ایوان کاخ کشف شود نیز مطابق با اصل کلی فوق تقسیم شود.»

این نوع پاسخ‌خواهی‌ها همین‌جا به پایان نمی‌رسد و بعدها طی دستورالعملی که به وزیر مختار آمریکا در ایران رسید، ایران باید قسمتی از آثار باستانی خود را به مؤسسه اهدا می‌کرد. شاید دشوار بتوان ترک کرد که این نوع ادبیات به کار برده شده، مربوط به یک مؤسسه آمریکایی است که دولت دیگر را خطاب قرار می‌دهد. «مؤسسه گرفتار یکی از اعضای گروه باستان‌شناسی را اجازه می‌سازد تا مذاکره بر سر تقسیم اشیایی کشف‌شده را شروع کند، مشروط بر اینکه چون ایرانی‌ها قبلاً اقالم ارزشمند متعددی برای خود برداشته‌اند، مؤسسه نیز انتظار دارد که در اوایل مذاکرات اشیایی در خروج و ارزشمندی به آن اهدا شود؛ چنانچه در همان اوایل مذاکرات چنین هدایایی داده نشود و روشن قابل قبولی برای تقسیم مای باقی اشی کشف‌شده مورد توافق قرار نگیرد، مؤسسه ناچار خواهد بود بدو هیچ‌گونه بختی گروه باستان‌شناسی خود را از ایران خارج کند.»

فرماندهی از او بگیرد. فروغی پس از دریافت این نامه و فرات از آن در هیأت دولت، با واکنش منفی هیأت دولت مبنی بر توهمین آمیز بودن نامه مواجه شد و پذیرش شروط ذکر شده منوط به تغییر ادبیات نامه شد. اما ادبیات به کار برده خود را در حمایت وزارت خارجه آمریکا، ایران را در موضع شرق‌شناسی بود که با حمایت وزارت خارجه آمریکا، ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کرد. مؤسسه شرق‌شناسی با مشاهده عقب‌نشینی‌های بی‌درپی دولت ایران در برابر خواسته‌هایش حداکثر چیزی را که می‌توانست بخواهد درخواست کرد. طبق درخواست جدید، مؤسسه خواهان ادامه کار در تخت جمشید و تقسیم اشیای یافت‌شده در آن به مدت ۳ سال دیگر بود. همچنین مؤسسه برخی اشیایی که به آنها نظر داشت را هم در نامه‌ای به نخست‌وزیر اعلام کرد: «نظر به اینکه مؤسسه شرق‌شناسی هزینه هنگفتی را صرف بازایی و مرمت گنجینه بی‌نظیر مجسمه‌های مستقر روی ۲ پلکان عظیم و همچنین الواح زرین و سیمین پایه‌های بنا کرده است که ارزش آنها بسیار بیشتر از هر اثر کشف شده دیگری در تخت جمشید است، خود را محق می‌داند اقالم مشخصه زیر را در حکم سهمش از اشیایی که تاکنون در ایوان کاخ کشف شده‌اند، مطالبه نماید و صداپتیه انتظار دارد مجوز خروج آنها از کشور نیز صادر گردد؛ مجموعه کامل تندیس‌های جدای قابل حمل، از جمله پلکان کاملاً جدا و قابل حملی که پیش از بیرون کشیدن ۲ پلکان عظیم تخت جمشید از زیر خاک کشف شده بود، یک لوح سیمین پایه بنا، اجزای لعلی شکسته متعلق به کتیبه زینتی ایاپادا و همه اشیای کوچک دیگر به استثنای طلا ساخته‌ها، از جمله ۵۰۰ لوح گلی. مؤسسه انتظار دارد اشیایی که ممکن است در آینده در ایوان کاخ کشف شود نیز مطابق با اصل کلی فوق تقسیم شود.»

### غارت دیپلماتیک

**میراث ایرانی در چمدان‌های وزارت خارجه آمریکا**

«رتور اُپهام پوپ» به همراه «هنسری جی‌نتن» در اوایل ۱۹۲۵ «به منظور مطالعه گنجینه‌های هنر اسلامی ایران» به تهران آمدند. پوپ یکی از افرادی بود که نقش بسزایی را در لغو انحصار فرانسه در آثار باستانی ایران داشت. این خاورشناسی آمریکایی نخست در سال ۱۳۰۴ش همزمان با تحولات عمیق سیاسی (سقوط سلسله قاجار و روی کار آمدن رضاشاه) وارد ایران شد. سمت او در زمان کارشناسی و راین مؤسسه هنری شیکاگو بود و در پی رفت و آمدها و تلاش‌های فراوانش برای معرفی هنر ایران، به رضاشاه نزدیک شد و مورد حمایت و قرار گرفت. مدیر بخش امور خاور نزدیک وزارت خارجه جمعیت موزی، در گزارش مربوط به آمدن این دو آورده است که بسیار به موقع رسیدند، چون توجه به آثار باستانی در تب و تاب کشف مومیایی‌های احتمالی در کوه سرسره واقع در نزدیکی تهران افزایش یافته است.

۱۷ آوریل ۱۹۲۵ پوپ سخنرانی درباره هنر ایرانی در جلسه انجمن ایران در جوان ارائه کرد. او همین سخنرانی ۱۳۱۱ آوریل در خانه سرژان اسعد خبازری وزیر پست و تلگراف در حضور رضاخان و همه دولتمردان تکرار کرد. آنگونه که موزی گزارش داده است، شور و شوقی که این سخنرانی برانگیزش بی‌نظیر بود و رضاخان به پیشنهاد «حسن خان‌علایی» (که بعداً به نام حسین علاه معروف شد) کمپانی برای تأسیس انجمن ایران در تهران تشکیل داد. پوپ مجموعه پیشنهادهایی که دولت آمریکا در نظر پیشرفت هنر در اشیای مشکوفه از تخت جمشید «پوپلام» هورنی پوپ» مفیر آمریکا گفت: «همدار زیادی کمپون» نیاز بود تا آثار باستانی «هتعلق» به مؤسسه شرق‌شناسی از تخت جمشید برای انتقال به آمریکا، به پوشهر فرستاده شود.

در این شماره تلمخ، با توجه به اسناداتی که از منابع آمریکایی پیرامون غارت میراث فرهنگی ایرانیان، در کتاب «تراج بزرگ» آمده است، نگاهی به این اتفاق انداخته‌ایم.



نقش برجسته ساراز مازنی - موزه متروپولیتن نیویورک

نقش برجسته ساراز خاشانی - موزه مونتسن



سر سنگی گاو تر از جبهه شرقی رواق شمالی کاخ مستون - موزه دانشگاه شیکاگو



۲۴ سپتامبر ۱۹۲۵ تلگرامی از پوپ به موزی رسید که در آن آمده بود: «اشیا با گذشت زمانی طولانی هنوز در کرمانشاه هستند. این سفارت می‌تواند کمک کند. پوپ»

این دو شیء، آقای پوپ از طریق بسته دیپلماتیک فرستاده شدند. امده باشند با توجه به ارتباطات بعدی وزارت خارجه و وزارت خاورهای آمریکا، مسلم است که آمریکایی‌ها زیر پوشش بسته صدارتی باید به وسیله نماینده‌های وزارت معارف مورد بازرسی قرار دهند. دیپلماتیک این اثر را از ایران خارج کردند. در ۱۷ اگوست ۱۹۲۵ «پوپ باثتر رایت» معولن وزارت خارجه آمریکا آن دو شیء را برای ترحیم گمرکی که به وزارت خاورهای فرستاد. ۲۵ اگوست ۱۹۲۵ وزارت خاورهای اعلام کرد اشیا از گمرک آزاد شد. در پاراگراف بعدی می‌آورد ما در میان مطمئن می‌کردم که آقای شئی» که امکان ترحیم‌اشی که پوپ اجاز وود به آنها داشت، نامه نگار شده. «دیده اضافه کنم که من با توجه به درخواست آقای پوپ از دولت ایران اجازه صادرات معاف از گمرک انبوهی از آثار باستانی و گنجینه‌های هنری را از مقام در شرایط نادی چنین اشیایی باید اول در وزارت مالیه بازرسی می‌کردم اگر تأخیر طولانی ترحیم اشیای خریداری‌شده برای موزه شیکاگو فرستاده بود که در صحبت بااموشلان وزارت معارف دریافته که آقای «کنید» اموری ۲ روز بعد پاسخ داد: «دلیل تأخیر در خروج اشیا اگرمنشاهه هستند و نه در اشیای ادنی که هنگام خروج از ایران با خود برده‌است. دکتر جردن گفت: «متأسفانه آقای پوپ اشیایی را بدون اقامت قانونی ایرانی از کشور خارج کرده است.»

### امتیاز ناشناخته

شیلات ۱۹۲۷ به روس‌ها به معنای فروش کامل حقوق و منافع ایران بود. این تا پایان دوره امتیاز شیلات در سال ۱۹۵۲ یعنی زمان نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، شیلات اداره شیلات دریای خزر را پس از سز گیرد. اعطای چنین امتیازهایی به معنای خیف و میل کامل منابع ثروت ایران بود. آنگونه که میلسویس می‌گوید: رضاشاه در این دوره تا جایی که توانست ایران را «ووشیده» (زور جستر میلسویس، آمریکایی‌ها در ایران، واشنگتن دی‌سی، مؤسسه بروکینگز، ۱۹۶۶) به مدت ۳۰ سال از ۱۹۲۱ تا ۱۳۲۱ بیشتر درآمد نفت ایران صرف خرید تسلیحات و در حائل ۶۵۰۶۰ درصد بودجه سالانه دولت (که منحصراً از درآمد نفتی بود) برای ارتش و پلیس سرانه داد. شیف و میل منابع در این دوران حیرت‌انگیز بود اگر این منابع مالی صرف آموزش، زیرساخت‌ها، پیشرفت‌های صنعتی و کشاورزی می‌شد، امروز ایران از میان کشورهای جهان سوم نبود. در سال ۱۹۴۱ که رضاشاه ایران را ترک کرد، ۸۵ تا ۹۰ درصد جمعیت ایران بی‌سواد بودند. ۴۰ سال بعد وقتی پسر و جانشین او شد، ایران دست گرفت که شامل صادرات پر سود خایلود بود. دهان گونه که «نور جستر میلسویس» ها و روس‌ها هم متفادلاً دخالتی بر کارشان نداشت. ۱۹۲۷، توضیح داده و بر اساس شواهدی که ارائه کرده اعطای امتیاز باستان‌شناسی آمریکایی‌ها در ایران ناشناخته بود. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها با مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این امر به دلیل در اختیار شدن ایران به چالش برخاستند و برای انگلیسی‌ها هم هیچ‌کار برتری آمریکایی‌ها در مسائل باستان‌شناسی ایران مورد تردید واقع نشد. در حالی که کنترل سیاسی و نظامی ایران در دست انگلیسی‌ها بود، باستان‌شناسی ایران بعد از سال ۱۹۲۵ کاملاً به انحصار آمریکایی‌ها در آمد. برخی بر این باورند که این